

## تفاوت جایگاه و نقش رسانه در انقلاب اسلامی ایران و تحولات ۲۰۱۱ مصر

\* محمدجواد هراتی

\*\* بهزاد قاسمی

### چکیده

مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که رسانه‌ها در آغاز و انجام تداوم تحولات چه نقش و جایگاهی داشته و تفاوت آنها در چیست؟ در مقاله حاضر، تلاش بر این است تا ابتدا روش و شیوه تأثیرگذاری رسانه در روند مشروعیت‌زدایی از رژیم و مسائل مرتبط با آن را مورد بررسی قرار دهد. سپس، نقش رسانه سنتی و مکانیسم تأثیرگذاری آن در تداوم تحولات را مورد ارزیابی قرار دهد. بر این اساس به نظر می‌رسد، با توجه به نقش تربیتی در رسانه سنتی که از طریق مساجد و تکایا صورت گرفته، همچنین پشتوانه اجتماعی و معنوی در انقلاب اسلامی در مقایسه با شبکه‌های مجازی که ناشناخته هستند، رسانه‌ها پس از پیروزی انقلاب موجب تداوم انقلاب شدند؛ در حالی که در جنبش مصر چنین عمل نکرد و باعث کند شدن روند جنبش در مصر شده است.

### واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، جنبش مصر، شبکه‌های اجتماعی، رسانه، مسجد و منبر.

mjharaty@yahoo.com

Ghasemi.b1981@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱/۲۲

\*. استادیار دانشگاه بوعلی سینا.

\*\* دانشجوی دکتری دانشگاه بوعلی سینا.

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۱۴

## مقدمه

جایگاه رسانه در مطالعات انقلاب از جنبه‌های مختلف قابل بحث است. یکی از جنبه نقش‌آفرینی در مشروعیت‌زدایی از حکومت و دیگری از نقش‌آفرینی در پیروزی و تداوم انقلاب. در مقاله حاضر تفاوت رسانه سنتی و رسانه مدرن و میزان تأثیرگذاری و نقش آنها در انقلاب اسلامی ایران و جنبش مصر که گاهی از آن با عنوان انقلاب نیز یاد می‌شود، مورد بحث قرار خواهد گرفت.

رسانه‌های جمعی سنتی و مدرن شامل منابع، مطبوعات، رادیو، تلویزیون و فناوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات به ویژه اینترنت، شبکه‌های اجتماعی فیسبوک و تویتر با انتقال اطلاعات و معلومات جدید و تبادل افکار عمومی سهم بسزایی در تحولات سیاسی و انقلاب‌های سیاسی - اجتماعی داشته است. نقش و کارکرد رسانه‌ها در انقلاب اسلامی ایران و انقلاب مصر زمینه‌ساز بروز افکار عمومی و منبع توزیع عقاید و بسیج مردم هستند.

رسانه‌های سنتی در انقلاب اسلامی از طریق مسجد، منبر، حسینیه‌ها، نوارکاست، اعلامیه‌ها و روحانیون موجب سرعت، عمق و تداوم انقلاب اسلامی شد؛ شبکه‌های اجتماعی مجازی در انقلاب مصر توانایی ایجاد ارتباط، گسترش ارتباطات میان افراد را با سهولت انجام داد. بسیاری از مخالفان رژیم مصر با ایجاد روحیه جمعی و شکل‌گیری هویت در فضایی مجازی و غیر سلسله‌مراتبی شده و در نهایت از طریق افزایش خلاقیت و سرعت عمل، وقوع انقلاب را تسریع کرد. ولی در نظام‌سازی و تداوم آن به این سرعت و سهولت عمل نکرد. بر اساس مسئله‌ای که مطرح شد، سؤال اصلی مقاله این است که رسانه‌های اجتماعی در آغاز و انجام انقلاب اسلامی و انقلاب مصر چه نقش و کارکردی داشتند؟ چرا انقلابیان برخلاف انقلاب اسلامی، در تداوم انقلاب مصر موفق نشدند همچنان از این رسانه‌ها بهره بگیرند.

رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به هر دو انقلاب کمک کردند تا از حکومت و رژیم، مشروعیت‌زدایی کنند، ولی این رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی در دو انقلاب دارای دو نقش متفاوت بودند؛ در انقلاب اسلامی به دلیل جنبه‌های تربیتی سخنرانی‌های امام خمینی علیه‌السلام و تأثیر فرهنگ عاشورایی، ایثار و شهادت که از رسانه منبر منتشر می‌شد؛ همچنین وجود ایدئولوژی مشخص، رهبری کاریزمایی، تدوین قانون اساسی و دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود در انقلاب اسلامی موجب تداوم انقلاب اسلامی شد. ولی در مصر به دلیل

شکاف‌های مترکام و هم‌افزا نتوانستند تلاطم‌های بحران‌های پس از انقلاب را سامان داده و خلأ رهبری و فقدان ایدئولوژی در مصر را برطرف کنند تا از این طریق موجب تداوم جنبش و برقراری نظام اسلامی و مردمی در این کشور شوند. رسانه در انقلاب اسلامی ایران به صورت چهره به چهره بوده و رسانه سنتی مثل منبر اثر تربیتی و پشتوانه اجتماعی داشت، اما رسانه در جنبش مصر به صورت شبکه‌های اجتماعی مجازی و ناشناخته هستند. هدف از انجام این پژوهش بررسی تفاوت‌های این دو است.

### چارچوب نظری

از آنجا که انتقال و جریان فرهنگ از طریق ارتباطات صورت می‌گیرد، حوزه فرهنگ که نظام‌هایی از عقاید و رفتارها را شامل می‌شود و ساخته تاریخ می‌باشد؛ با ظهور تکنولوژی جدید دست‌خوش دگرگونی‌های بنیادین می‌گردد. ورود فن‌آوری‌های ارتباطی، دگرگونی بنیادینی را در ساختار مناسبات و ارتباطات انسانی ایجاد کرده است. (کاستلز، ۱۳۸۴: ۸۹)

نظریه «کاشت» جورج گرینر این نظریه را در خصوص تأثیرات تلویزیون بیان داشت ولی با تأسی از فرایند جایگزین‌سازی و تکامل‌گرایی که در حوزه رسانه‌های جمعی اتفاق افتاده می‌توان این نظریه را به شبکه‌های اجتماعی به عنوان یکی از رسانه‌های اجتماعی که از رشد بسیار بالایی در جذب توجه مخاطبان جهانی برخوردار شده‌اند نیز به کار گرفت. با بهره‌گیری از گزاره‌های حاکم بر نظریه کاشت می‌توان گفت که شبکه‌های اجتماعی تأثیر شگرف‌تری نسبت به تلویزیون بر مخاطبان دارد.

کاشت پیام‌های متعدد و متنوع در عرصه شبکه‌های اجتماعی باعث شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای کاربران شده و اثرات این پیام‌ها در درازمدت نیز قابل مشاهده است. شبکه‌های اجتماعی باعث می‌شوند تصمیمات فرد در ارائه دیدگاه‌ها و نگرش‌ها دچار تغییر شده و متحول شود و به نگرش جدیدی در زمینه‌ای خاص منجر شود. این وجه از کارکرد شبکه‌های اجتماعی به صورت مداوم و با تولید و کاشت پیام‌های همگن در فضای این شبکه‌ها روز به روز بر نگرش‌ها و رفتار کاربران تأثیر می‌گذارد. (گونتر، ۱۳۸۴: ۳۱۰)

همه مردم درباره موضوعات چالشی و مناقشه برانگیز نظری دارند و حدس‌هایی می‌زنند ولی آشکارا و با صدای بلند آن را بیان نمی‌کنند. غالباً مردم پیش از ابراز عقایدشان به این

فکر می‌کنند که در اقلیت‌اند یا در اکثریت، با حمایت مواجه می‌شوند یا با شماتت؛ بسیاری اگر حدس بزنند در اقلیت‌اند سکوت می‌کنند و درباره نظراتشان با دیگران حرف نمی‌زنند. در نظریه‌های پیام ارتباطی به این اتفاق «ماریپیچ سکوت» می‌گویند. هر قدر مردم از ترس انزوا و حمله دیگران از ابراز نظرات خود پرهیز کنند، این ماریپیچ سکوت شدیدتر می‌شود؛ یعنی صدای آنها بلندتر می‌شود. (<http://faryaadegilan.com>)

بروگمن، استاد جامعه‌شناسی درباره شبکه‌های اجتماعی معتقد است:

تنوع و ناآرامی روابط اجتماعی را می‌توان به صورت شبکه‌ای روشن و دقیق طراحی کرد. به کمک نظریه شبکه اجتماعی، ویژگی زندگی اجتماعی نظیر جهان‌های کوچک، ساختار انسجام و نابرابری اجتماعی را می‌توان برای نخستین بار تبیین کرد و به علاوه، پدیده‌های به خوبی درک نشده‌ای نظیر سازمان‌ها و نیز رشد و اشاعه شناخت و دانش را می‌توان به صورت روشن‌تر درک کرد؛ زیرا بسیاری از مدل‌های شبکه اجتماعی نیز قابلیت کاربرد یا القا به حوزه‌های دیگری نظیر اقتصاد، زیست‌شناسی، فیزیک آماری و دانش سازمان را دارند. (بروگمن، ۱۳۸۹: ۹)

در واقع شبکه‌های اجتماعی، چارچوبی برای اعضای یک گروه است که پیوستگی و ارتباط آنها از مجرای این ساختار صورت می‌گیرد و درصدد تبادل آزادانه افکار، عقاید و فعالیت‌های فردی و اجتماعی خودشان می‌باشند. در واقع، این وابستگی متناسب با مؤلفه‌های متعددی می‌تواند موقتی یا پایدار باشد. شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌هایی برای تعامل اجتماعی هستند که از تکنیک‌های ارتباطی بسیار در دسترس، آسان و گسترش‌پذیر استفاده می‌کنند؛ ضمن سهولت و سادگی به کارگیری ابزارهای اینترنت و رسانه جمعی که موجب شدت و شتاب تحولات و بروز سریع انقلاب‌ها می‌شود.

جنبش‌های اجتماعی مهم‌ترین رفتار جمعی است که شمار زیادی از مردم در آن فعالانه شرکت می‌کنند. گیدنز جنبش اجتماعی را کوشش جمعی برای پیشبرد منافع مشترک یا تأمین هدفی مشترک از طریق عمل جمعی خارج از نهادهای رسمی تعریف می‌کند. (گیدنز، ۱۳۷۶: ۶۷۱) گی روشه معتقد است جنبش اجتماعی سازمانی کاملاً شکل گرفته و مشخص است که به منظور دفاع، گسترش یا دستیابی به هدف‌های خاص به گروه‌بندی و تشکل اعضا می‌پردازد. (روش، ۱۳۸۰: ۱۶۴)

آنچه اصولاً جنبش اجتماعی و انقلاب را مشخص می‌کند، متقاضی و مدعی بودن آن است، لذا سعی در پیروز کردن ایده‌ها، منافع و ارزش‌هایی معین دارد و بدین منظور پیوسته در تلاش برای افزایش اعضا و جلب توجه عامه و نخبگان است. در حقیقت، جنبش اجتماعی کوشش سازمان یافته گروه یا جمعی است که می‌خواهند برخی شئون جامعه را تغییر بدهند. بر این اساس، نقش و کارکرد رسانه سنتی در انقلاب اسلامی از آن جهت مهم است که توان بالایی در فرایند بسیج نیروی انقلابی و مردمی داشته است.

چارلز تیلی در نظریه‌اش که الگوی بسیج تیلی از آن یاد می‌شود، متغیرهای منافع، سازمان، بسیج منابع، عمل جمعی، فرصت و تهدید را نام می‌برد. (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۴) رسانه سنتی انقلاب اسلامی تأثیر زیادی در سه متغیر بسیج، سازمان و کنش جمعی داشت؛ چون رسانه سنتی علاوه بر توان تبلیغی و انتشار پیام که جنبه تربیتی آن از طریق چهره به چهره و شنیدن صدای رهبر انقلاب به وسیله کاست موجب سازماندهی و بسیج مردم می‌شد، هر چه سازماندهی با کیفیت‌تر و سازمان به لحاظ جغرافیایی سطح بزرگتری را شامل می‌شد، بسیج آن بیشتر بود.

### جایگاه و نقش رسانه در شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی ایران

اگر رسانه‌های ارتباطی در دوره پیش از پیروزی انقلاب و در برهه انقلاب سخنرانی‌ها «مسجد و منبر»، اعلامیه، کاست نوار، کتاب، جزوه و سایر وسایل ارتباطی بود. در واقع مسجد به عنوان پایگاه و منبع ارتباطات انقلابی، علاوه بر رسانه‌های شفاهی و چهره به چهره از طریق موعظه و خطابه که نقش تربیتی، پشتوانه اجتماعی و معنوی را به همراه خود داشت، توانست ارتباط میان رهبری و توده‌ها را برقرار سازد.

#### یک. رسانه‌ها و مشروعیت‌زدایی از رژیم محمدرضا پهلوی

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تمام شبکه‌های ارتباطی مدرن نظیر رادیو و تلویزیون، سینما، مطبوعات و سایر رسانه‌ها در اختیار رژیم شاه بود و با بهره‌گیری از این رسانه‌ها درصدد تغییر ماهیت فرهنگی جامعه ایرانی بود. امام خمینی و انقلابیون با استفاده از رسانه‌های سنتی نظیر مسجد و منبر، حسینیه، تکایا، نوار کاست، پخش اعلامیه با بسیج عمومی و تغییر ساختارهای رژیم پیشین را به چالش و سقوط کشاند. بر این اساس به اعتقاد

بعضی «رویدادهای داخلی ایران به مثابه حلقه‌های زنجیر به هم متصل هستند که در پیوند با متغیرهای بین‌المللی و تأثیرگذار بر وقایع ایران باید تبیین گردد». همچنین می‌نویسند:

بحران‌های حکومت شاه چهار دسته بودند از جمله بحران مشروعیت سیاسی، مذهبی، اقتصادی و بین‌المللی که تفکیک این بحران‌ها از سرنوشت نهایی حکومت شاه ممکن نیست. (صوفی، ۱۳۸۸: ۵۵)

رسانه‌های سنتی انقلاب اسلامی با آشکارسازی بحران‌های موجود در حکومت پهلوی و جهت رژیم را زیر سؤال برد و با بهره‌گیری از این رسانه‌ها و شبکه‌های سنتی انتقال پیام رویدادها را تا آستانه انقلاب دنبال کردند. از طریق شبکه سنتی انتقال پیام نیز زمینه‌های شکل‌گیری قیام پانزده خرداد و ماهیت قیام به وضوح تبیین شد. شناخت دقیق از ماهیت قیام امام خمینی و آشکارسازی بحران‌های حکومت پهلوی تأثیر مستقیمی بر سقوط رژیم شاهنشاهی و پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ گذاشت و تأثیر عمیق رسانه سنتی به لحاظ ماندگاری و جنبه تربیتی آن باعث تداوم انقلاب اسلامی شد.

یک محقق آمریکایی در بخش پایانی کتاب خود در سرفصلی با عنوان رسانه‌هایی کوچک برای یک انقلاب بزرگ، درباره رسانه‌های امام خمینی رضی الله عنه نوشته است: «مخالفت با شاه به وسیله شبکه‌های غیر رسمی توسط ۲۰۰ هزار مبلغ دینی و ۹۰ هزار مسجد سازماندهی شد». همچنین می‌نویسد:

در حالی که آیت‌الله خمینی و دیگر رهبران مذهبی به خارج از کشور تبعید شده بودند اما پیام‌های آیت‌الله به شکل کاست برای پیروانش ارسال می‌شد. پیام‌های او سپس چاپ و تکثیر می‌شد. در انقلاب ایران در حقیقت مردم با هم برخورد نداشتند بلکه برخورد بین رسانه‌های بزرگ در برابر رسانه‌های کوچک‌تر بود و سرانجام رسانه‌های کوچک‌تر (سنتی) پیروز شدند. (جعفری، ۱۳۷۹: ۳۱)

پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ ارزش و اعتبار رهبری را در هدایت توده‌ها با بهره‌گیری از شبکه ارتباطات سنتی به ظهور رساند.

در سخنرانی‌های امام، تحقیر و ناچیز شمردن دشمن نمایان است. وقتی امام می‌فرماید: «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند» یا «ما آمریکا را زیر پای خود می‌گذاریم» ترس و نگرانی

را از دل توده‌های مردم خارج کرد و باور داشتند که «ابرقدرت‌ها محتاج به کشورهای اسلامی هستند؛ اگر یک روز از سلاح خود استفاده کنید آنها مطیع شما می‌شوند مع‌الاسف هم ذخایر ما را می‌برند و هم حکومت‌ها اطاعت از آنها می‌کنند». به این طریق، امام وابستگی رژیم به کشورهای غربی و آمریکا را آشکارا بیان و عدم مشروعیت حکومت محمدرضا را مشخص می‌کرد. ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: «آمریکا که سیلی خورده است از شما، آمریکایی که دل بسته بود به ایران و نفت ایران و ذخایر ایران، این آمریکا را بیرونش کردید». (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۵ / ۱۱۵) امام علیه السلام با آشکار ساختن وابستگی رژیم محمدرضا پهلوی به بیگانگان و بالخصوص آمریکا، مشروعیت حکومت پهلوی را خدشه‌دار کرد. در اهمیت رسانه‌های سنتی انقلاب اسلامی یکی از کارشناسان سفارت آمریکا می‌نویسد:

یک جنبه مهم رشد حرکت انقلابی، مشارکت دائمی و فزاینده سازمان‌های شیعی مذهب ایرانیان در جنبش بوده است. در کشور ۳۵ میلیونی ایران تقریباً ۸۰ تا ۹۰ هزار مسجد و ۱۸۰ تا ۲۰۰ هزار روحانی وجود دارد و سریع‌ترین و مطمئن‌ترین راه برای رساندن پیام از شهری به رهبران شهر دیگر از طریق شبکه مساجد انجام می‌گرفت. (استمیل، ۱۳۷۸: ۶۸)

در انقلاب اسلامی با اینکه رژیم پهلوی رسانه‌های مدرن و بزرگی را در دست داشت و بر آنها به طور جدی و دقیق نظارت می‌کرد و در راستای حفظ حاکمیت خود آنها را پیش می‌برد، با این حال توانست از این رسانه‌ها که یکی از مهم‌ترین و قدرتمندترین ابزارهای هر حکومتی برای نیل به اهداف و حفظ قدرتشان است، استفاده کند ولی در مقابل، نیروهای انقلابی با استفاده از رسانه‌های سنتی «منبر»، هیئت‌های مذهبی، نوارهای ضبط صوت که قطعاً قدرت و کارایی رسانه‌های حاکمیت را دارا نبودند، توانستند بیشترین تأثیرات را بر مردم بگذارند و حربه‌های رسانه‌های حاکمیت را بی‌اثر کرده و پایه‌های رژیم پهلوی را متزلزل کنند. (زارعی، ۱۳۹۰)

## دو. نقش مسجد و منبر

مساجد به عنوان مرکز و پایگاه دینی و فرهنگی، نقش بسیار حساس و خطیری در ایجاد هسته‌های اولیه نهضت پویا و اصیل، احیای اسلام انقلابی و جهت‌دهی به حرکت‌ها و جریان‌های مردمی داشته است. انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک جنبش اجتماعی، با استفاده

از رسانه‌ها که غالباً در قالب‌های مذهبی شکل گرفته بودند، فراگیر شد. شبکه مساجد و جلسات مذهبی همانند حلقه واسط میان رهبران انقلاب و مردم انقلابی بودند که وظیفه بسیج مردم را در جهت مخالفت با سیاست‌های حاکم بر عهده داشتند.

در دوره تاریخ معاصر، نقش مساجد و دیگر مکان‌های مذهبی مانند زیارتگاه‌ها و هیئت‌های مذهبی در برافروختن اجتماعات در برابر بی‌عدالتی و ستم‌های روا داشته شده از سوی متجاوزان داخلی و خارجی ایران غیرقابل انکار است. برای نمونه در اواخر ماه رمضان سال ۱۲۸۴، گران شدن قند، زمینه‌های اعتراض را در بین مردم برانگیخت؛ عین‌الدوله این موضوع را بهانه ساخت تا از مردم زهر چشم بگیرد. به اشاره او علاءالدوله حاکم تهران بازرگانانی را که در ماجرای نوز بلژیکی به حرم حضرت عبدالعظیم پناهنده شده بودند احضار کرد و برخی از آنها را به فلک بست. به همین سبب شهر به هم ریخت؛ بازارها بسته شد و مردم در مسجد شاه گردآمدند. در پی این تجمع مردم نیرو گرفتند و کشمکش بین طرفداران استبداد و عدالت‌خواهان شدت گرفت و دولت به وحشت افتاد. (ولایتی، ۱۳۸۷: ۲۸) در فردای آن روز نیز در مسجد شاه، مجلس بزرگی بر پا شد. این تجمع با توطئه عوامل شاه به تشنج کشیده شد و مأموران با چوب و چماق به جان مردم افتادند. در پی این حادثه، اجتماعات بزرگی در منازل علما بر پا شد.

همچنین در دوره دوم مشروطه و پس از شهادت شیخ فضل‌الله نوری و با شدت گرفتن درگیری‌های سیاسی، به تدریج جو وحشت و ترور بر جامعه حاکم گردید. جمعیتی انبوه در مسجد بازار گرد آمدند و خواستار دستگیری و مجازات قاتلان شدند.

در جریان انقلاب اسلامی نیز می‌توان اذعان کرد که اولین جرقه‌های انقلاب در سال ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ با سخنرانی امام خمینی زده شد؛ مسجد اعظم و مدرسه فیضیه قم بستر اصلی این حرکت را فراهم کردند. (مدنی، ۱۳۶۹: ۹۳)

مساجد عمده‌ترین ابزار رسانه‌ای روحانیت برای ارتباط با مردم بود که از این طریق پیام انقلاب و امام خمینی به گوش مردم می‌رسید. همچنین عامل اصلی بسیج تجار و بازاریان، مساجد بودند که به دلیل پیوند تاریخی مسجد و بازار در قیام‌ها و اعتراضات مردمی، مسجد مرکز شکل و سازماندهی بازاریان بود. قیام ۱۵ خرداد سرآغاز جدی مبارزات به رهبری امام خمینی علیه رژیم پهلوی بود که از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ شروع و در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید.



مسجد تریبون تبلیغات بود؛ پیام‌رسانی از طریق رسانه‌های سنتی مسجد(منبر) در دو مقطع مهم با کارویژگی‌های خاصی صورت گرفت: مقطع اول نهضت، زمانی است که هنوز حضرت امام از ایران تبعید نشده بود و مقطع دوم از تبعید حضرت امام تا پیروزی انقلاب اسلامی را شامل می‌شود. طیفی از وعاظ در طی این دو مقطع از سال ۱۳۴۱ تا بهمن ۱۳۵۷ در صدد برآمدند با استفاده از رسانه منبر، مشروعیت نظام حاکم را به چالش بکشاند و توانستند افکار عمومی جامعه را به سوی نهضت جلب کنند.

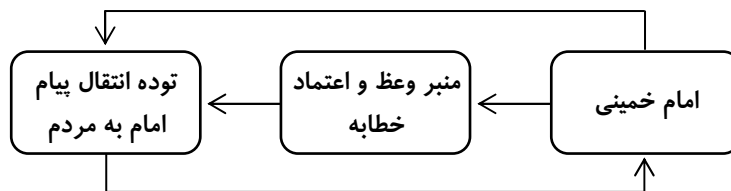
آیت‌الله طالقانی و حجت‌الاسلام فلسفی به عنوان دو تن از پیشگامان نوگرایی پیام‌رسانی از منبر، نقش بسزایی در آگاهی مردم داشتند. این دو شخصیت در مقطع قبل از تبعید امام با رویکردی نو از منبر برای پیام‌رسانی بهره می‌بردند و حتی علاوه بر آن در رادیو نیز برنامه‌های تربیتی - اخلاقی ارائه می‌کردند. موج دوم پیام‌رسانی نهضت، از تبعید امام تا پیروزی انقلاب بود. مبارزه و پیام‌رسانی در زمان تبعید رهبری نهضت از طریق مبارزات علنی و مخفیانه تداوم یافت. تلاش‌های آیت‌الله سعیدی به عنوان پیشگام پیام‌رسانی آموزه‌های نهضت و حجت‌الاسلام هاشمی‌نژاد به عنوان پیام‌رسان نهضت جزو ماندگارترین مبارزات رسانه‌ای انقلاب است. بر این اساس برخی معتقدند که:

روحانیون در مقایسه با سایر اقشار و نیروهای اجتماعی و تشکل‌های سیاسی، سازمان یافته‌ترین و منسجم‌ترین نیروهای اجتماعی جامعه ایران را تشکیل می‌دهند. روحانیون منابع قدرت متعددی داشتند اولین و مهم‌ترین کانونی که روحانیون از آنجا اعمال قدرت می‌کردند مساجد است. (ازغندی، ۱۳۷۹: ۱۳۱)

درباره اهمیت مسجد یک نویسنده و مورخ مصری چنین اظهار می‌کند:

در کشورهای اسلامی نهادی به چشم می‌خورد که قدرت، قادر به دسترسی بدان نمی‌باشد و آن نهاد مسجد است. با این نهاد نمی‌توان مذاکرات پنهانی داشت و یا به آن رشوه داد؛ زیرا انجام چنین عملی به مثابه توهین به عمیق‌ترین و گرامی‌ترین اعتقادات مردم است. مسجد برای اجتماع مردم مکانی فراهم می‌آورد که حتی از دسترس مؤثرترین پلیس مخفی به دور بماند. مردم به قیمت جانشان از مسجد دفاع می‌کنند. مذهب به گرد زندگی مردم عادی یک حصار امنیت می‌کشد که مسجد و قرآن سمبل‌های آن به شمار می‌روند. (هیکل، ۱۳۶۳: ۲۳۶)

منبر را باید به عنوان مهم‌ترین رسانه‌ای که نهضت اسلامی مردم به رهبری امام نیز بر آن استوار بود، قلمداد نمود. در نتیجه فرآیند ارتباط و پیام‌رسانی در نهضت مردم ایران در سال ۵۷ به صورت زیر است:



به عنوان مهم‌ترین رسانه انقلاب، لازم بود که یک شبکه منبر با محوریت قرار گرفتن پیام‌رسانی بر مبنای منبر شکل گیرد. در رأس هرم ارتباطی این شبکه مرجعیت و وعاظ و روحانیون و توده مردم نیز در قاعده هرم ارتباطی حضور داشتند. وعاظ و روحانیون با استفاده از رسانه منبر نوعی از شبکه ارتباطی ایجاد کردند که هم از لحاظ جغرافیایی کل ایران را پوشش می‌داد و هم از لحاظ غیر دولتی بودن کاملاً قابل اتکا بود. این رسانه در مکان‌های مختلف شهری و روستایی اعم از مساجد، حوزه‌های علمیه، تکایا، حسینیه‌ها، هیئت‌ها، بازارها، مدارس اسلامی و ... وجود داشت و مرکز و مأمّن مهمی برای جذب و جلب توده مردم مسلمان خواهان نهضت به حساب می‌آمد و به عنوان مرکز و نکته اتکا و اتصالی بود که ماهیت کاملاً مذهبی، مردمی و غیر حکومتی داشت. هر چند دولت پهلوی تلاش می‌نمود در برخی از این مکان‌ها نیز نفوذ داشته باشد.

در طول نهضت، تلاش امام این بود که پیام نهضت که برگرفته از عمق جان و خواست ملت مسلمان ایران و سرشار از معارف غنی اسلامی بود، از طریق اعلامیه، نوار کاست، خبرگزاری‌ها، به هنگام تبعید پانزده ساله در ترکیه، عراق و فرانسه، به روحانیون و انقلابیون صدر انقلاب برسد و آنان نیز این پیام را از طریق منبر و به صورت وعظ و خطابه به گوش مردم برسانند. هر چقدر این ارتباط سریع‌تر و صریح‌تر به گوش مردم می‌رسید، فرآیند انتقال معنا بهتر و متقن‌تر صورت می‌گرفت و از آنجایی که پیام انقلاب، مبتنی بر خواست و اراده ملت بود، به خوبی از طرف مردم درک و مورد پذیرش قرار می‌گرفت.

(جعفرپور و قزل ایاق، ۱۳۸۹: ۱۳۳ - ۱۱۴)

### سه. نوار کاست و اعلامیه

نوارهای ضبط صوت هم یکی دیگر از رسانه‌هایی بود که آن زمان استفاده می‌شد. امام خمینی علیه السلام که آزادی بیان و دسترسی‌شان به رسانه‌های جمعی محدود شده بود، برای رساندن پیامشان به مردم و پرهیز از محدودیت‌های تحمیل شده از سوی رژیم، از «رسانه‌های کوچک» سود جستند. از تبعیدگاه خود در نجف و سپس در پاریس، پیام‌ها را با نوار ضبط صوت و تلفن به ایران می‌فرستادند. این نوارها بعداً در شمار هزارها تکثیر و در تمام کشور توزیع می‌شد. در بسیاری موارد، سخنرانی‌های ایشان روی کاغذ پیاده و برای توزیع انبوه تکثیر می‌گردید. نوار کاست در انتقال پیام و اندیشه‌های امام خمینی نقش مهمی ایفا کرد و در پیشبرد و تداوم انقلاب اسلامی کاربرد وسیع‌تری یافت. به یکباره نوارکاست کاربرد انقلابی پیدا کرد. با توجه به همین نقش حیاتی و مرکزی نوارکاست، روزنامه‌نگاران اروپایی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی را نهضت کاست نامیدند.

نوار کاست به سبب قابلیت تکثیر، پخش و پیاده‌سازی نوار به صورت مکتوب و چاپ و نشر آن، پیام رهبر انقلاب را به صورت صوتی و مکتوب به انقلابیون می‌رساند. این شیوه سنتی ارتباط و انتقال پیام و اندیشه باعث ماندگاری و پیوند بین رهبری انقلاب و انقلابیون شده و موجب انسجام و تداوم انقلاب پس از پیروزی شده است.

از دیگر رسانه‌هایی که در اختیار نیروهای انقلابی بودند، اعلامیه‌ها را می‌توان نام برد که شامل مطالب گوناگون و مربوط به گروه‌های مبارز مختلفی بودند و هدف واحدی را دنبال می‌کردند؛ از جمله: دعوت به مبارزه، برملا کردن جنایات شاه و ... را شامل می‌شد. مهم‌ترین اعلامیه‌های پخش شده مربوط به بیانات و پیام‌های امام خمینی علیه السلام بود که توسط گروه‌های مختلف تکثیر و میان مردم توزیع می‌شد. در این رابطه یکی از شاگردان امام در زمینه رسانه‌ها می‌گوید:

ما نوارهای درس حضرت امام را تهیه می‌کردیم و طلاب و روحانیون نوارها را گوش می‌دادند. رسیدن نوارهای درس ولایت فقیه به قم موجی در بین انقلابیون به وجود آورد و تحول اساسی در آن ایجاد کرد. وقتی نوارها دست به دست می‌گشت، کم کم فکرها و اذهان به عمق قضیه پی می‌بردند.

(احمدی، ۱۳۷۷: ۶۴)

اعلامیه‌های امام به مناسبت‌های مهم مثل اعیاد و ایام مذهبی محرم، رمضان، برکناری و روی کار آمدن کابینه‌های مختلف و سرکوب و کشتار تظاهرات مردمی صادر می‌شد. چاپ و اعلام هریک از این پیام‌های رهبری انقلاب اسلامی منبع تحولات جدید بود. سایر شبکه‌های اطلاع‌رسانی امام، هریک کارکرد و نقش خاصی در دوره انقلاب داشته است.

#### چهار. حسینیه و تکایا

تاریخ معاصر شاهد نقش تعیین کننده محرم در جنبش و خیزش‌های اصیل مردمی است که جلوه کامل بروز و ظهور این تأثیر را در انقلاب اسلامی مشاهده می‌کنیم؛ قیام حضرت امام حسین علیه السلام در ۱۰ محرم ۶۱ هجری ماهیتی ضدظلم و استکبار ستیز داشت. با آغاز ماه محرم، امام خمینی ضمن برگزاری روضه‌خوانی در منزل خود در طول دهه، هر شب به یکی از مجالس عزاداری محلات قم می‌رفتند و در هر جلسه یکی از همراهان ایشان سخنرانی می‌کرد و مردم را نسبت به اوضاع کشور مطلع می‌ساخت. امام بارها اشاره فرمودند که انقلاب اسلامی ایران ملهم از نهضت حسینی و مکتب عاشورا است:

حجت ما برای این مبارزه‌ای که بین مسلمین و این دستگاه فاسد است، حجت ما در جواز و لزوم این عمل، عمل سیدالشهدا علیه السلام است، حجتمان بر این است که اگر چنانچه این مبارزه را ادامه بدهیم و صدهزار از ما کشته بشود برای رفع ظلم، برای این که دست آنها را از این مملکت اسلامی کوتاه کنیم، ارزش دارد؛ امام رمز وحدت کلمه در بین مردم انقلابی ایران را ارادت این مردم به سیدالشهدا دانسته و بر این امر همواره تأکید داشتند که اگر این مجالس عزاء، نوحه‌سرایی و دستجات سینه‌زنی نبود نه تنها انقلاب اتفاق نمی‌افتاد بلکه اساساً از دیدگاه ایشان ۱۵ خرداد و دیگر رویدادهای مشابه که همگی سرآغازی برای شروع انقلاب اسلامی بودند نیز ظهور نمی‌کردند. (مطهری، ۱۳۸۵: ۴۸)

در آغاز نهضت اسلامی، امام خمینی به عنوان یک رهبر دینی با آگاهی از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های تشکل‌های دینی که توسط خود مردم اداره می‌شد، مثل سازماندهی هیئت‌های مذهبی، استفاده به جا و مناسب از فرصت‌های وعظ و سخنرانی و آگاه‌سازی مردم از طریق مناظر در مناسبت‌های مذهبی توجه ویژه‌ای داشتند. عزیمت رؤسای هیئات مذهبی به قم و ملاقات با امام خمینی در آستانه فراندوم فرمایشی ششم بهمن ۱۳۴۱ تحولات بی‌نظیری را

در نحوه و مضمون سخنرانی‌ها و مداحی‌ها در هیئات مذهبی ایجاد کرد. تکیه بر قیام و انقلاب بر ضد ظالمان، مضمون اصلی اشعار مذهبی آن دوره شد و انقلابیون با تکیه بر حماسه عاشورای حسینی موفق به جذب جوانان و بسیج مردم در نهضت امام خمینی شدند. چند ماه قبل از محرم (۱۳۸۳ خرداد ۴۲) طرح انقلاب سفید در رفراندومی نمایشی به تصویب رسید. نوروز سال ۱۳۴۲ امام خمینی عزای عمومی اعلام کرد. در ۲ فروردین ۱۳۴۲ عوامل رژیم با هجوم به مدرسه فیضیه در قم و مدرسه طالبیه در تبریز تعدادی از طلاب را مورد ضرب و جرح قرار داده، مدارس دینی را به ویرانه تبدیل کردند. پس از فاجعه فیضیه طرح سربازگیری از طلاب نیز به شدت اجرا شد. حوزه علمیه قم پس از فاجعه فیضیه به مدت چهل روز تعطیل شد و پس از اربعین شهدای فیضیه و با مراجعه تدریجی طلاب کار خود را آغاز کرد. امام خمینی علیه السلام طی سخنانی به مناسبت شروع دروس حوزوی، شاه، عوامل رژیم پهلوی، اسرائیل و آمریکا را مورد حمله قرار داد و از علما و مردم خواست که در مقابل مظالم رژیم پهلوی ساکت نشینند.

آرزو و پیش‌بینی امام خمینی دائر بر اینکه رژیم پهلوی در ماه محرم ۱۳۹۹ مراحل آخر حیات خود را طی کند تحقق پیدا کرد. حضور میلیونی مردم در تظاهرات تاسوعا و عاشورای سال ۱۳۵۷ که در حکم رفراندومی علیه نظام شاهنشاهی بود پایه‌های رژیم شاه را کاملاً متزلزل کرد. به علاوه در روز عاشورا عده‌ای از نظامیان شاغل در گارد جاویدان که تکیه‌گاه رژیم در سرکوب نیروهای مردمی بود، تعدادی از افسران گارد را در نهارخوری پادگان لویزان به گلوله بستند. بدین ترتیب رژیم شاه دیگر از درون ارتش نیز احساس امنیت نمی‌کرد. سیل خروشان مردم در روز تاسوعا و عاشورای ۱۳۵۷ ضربه سختی بر پیکر رژیم وارد آورد و آنها را از فکر مقابله با این حرکت عظیم در روزهای مقدس تاسوعا و عاشورا خارج ساخت. برخورد خونین رژیم با مردم پس از عاشورا همچنان ادامه پیدا کرد. سی و شش روز پس از تظاهرات عاشورا شاه از کشور گریخت و بیست و شش روز بعد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ رژیم شاهنشاهی در میان ناباوری ناظران به کلی مضمحل شد و یک بار دیگر ملت ایران و جهانیان تأثیر شگرف تعظیم شعائر دینی را در مبارزه با ظلم و ستم به عینه مشاهده کردند. ([www.aghigh.ir](http://www.aghigh.ir)) مردم با استفاده از فرهنگ عاشورا، دست از مبارزه برداشته و با تکیه بر تجربیات قبل، حرکت جدیدی را برای سرنگونی رژیم وابسته به بیگانگان آغاز کرده بودند. امام خمینی طی

پیامی، قیام ۲۹ محرم ۱۳۹۸ را ادامه قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ دانست و اقدام رژیم را محکوم کرد. مردم مبارز ایران با استفاده از سنت دینی برپایی اربعین که خود بخشی از شعائر حسینی است قیام مردم قم را به تبریز، یزد، کرمان و سراسر ایران گسترش دادند و بدین ترتیب سال سرنوشت‌ساز ۱۳۵۷ فرا رسید. عید نوروز ۱۳۵۷ مصادف با چهلم شهدای تبریز شد و عزای عمومی اعلام گردید.

بر این اساس می‌توان فرهنگ عاشورا را عامل اصلی برپایی انقلاب و انسجام و وحدت انقلابی اسلامی دانست؛ چون «محرم آغاز هر سال قمری یادآور قیام حسین بن علی است. سابقه غالب جنبش‌ها و نهضت‌های اسلامی به خصوص در جامعه تشیع نشان می‌دهد که متأثر از اجتماعات محرم در عزاداری امام حسین علیه السلام بوده است. انقلاب مشروطیت هم دقیقاً چنین وضعی را دارد. محرم سال ۱۳۳۳ همین موقعیت را داشت. شور و هیجان در اجتماعات بیشتر محسوس بود. مردم عزاداری و ذکر مصیبت را همراه با ایراد خطابه در فجایع حکومت طالبند. مردم از جمع شدن در حسینیه و تکیه نتیجه فوری می‌خواهند». (مدنی، ۱۳۶۹: ۹۳)

امام خمینی اعتقاد داشتند:

آن جنبه سیاسی است که ائمه ما در صدر اسلام نقشه‌اش را کشیده‌اند که تا آخر باشد و آن، این اجتماع تحت یک بیرق، اجتماع تحت یک ایده و هیچ چیز نمی‌تواند این کار را به مقداری که عزای حضرت سیدالشهدا در او تأثیر دارد تأثیر بکند.

امام خمینی با تأسی از سیره رسول اکرم مساجد را مرکز جنبش‌ها و حرکت‌های اسلامی معرفی می‌کرد. بر اساس همین دیدگاه است که متفکران و نویسندگان خارجی نیز به اهمیت مساجد در ساختار انقلاب تأکید کرده و آن را محور اصلی و شکل‌گیری انقلاب اسلامی دانسته‌اند. در واقع، مسجد هسته اساسی تشکیلات انقلاب اسلامی بود. یکی از عناصر مهم در پیروزی انقلاب، احیای مجدد مسجد و تمام ابعاد عملکردی آن بود. نقش مسجد، دیگر نه عزلت و گریزگاهی از جامعه بود که مردم برای دوری جستن از دنیا، گرفتن وضو، انجام عبادات یا گوش دادن به صوت قرآن به آن پناه می‌بردند بلکه برعکس، مسجد به یک کانون مبارزه و مرکز فرماندهی بدل گردید و به طور خلاصه مسجد تماماً آن چیزی شد که در عصر پیامبر بود.

### جایگاه و نقش رسانه در شکل‌گیری و تداوم جنبش مصر

بدون شک رسانه در شکل‌گیری جنبش اخیر در مصر که برخی نیز از آن با عنوان انقلاب یاد می‌کنند نقش مؤثری داشت؛ به گونه‌ای که برخی تحلیل‌گران از آن با عنوان جنبش فیس‌بوکی یاد می‌نمایند. اما سؤال اساسی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که تفاوت نقش و جایگاه رسانه در انقلاب اسلامی ایران و به ویژه در پیروزی و تداوم آن، چه تفاوتی با جنبش مصر دارد و آیا نوع رسانه‌ها در تداوم و پیشبرد اهداف انقلاب مؤثر است یا خیر.

#### یک. رسانه‌ها مشروعیت‌زدایی رژیم حسنی مبارک

شبکه‌های اجتماعی فیسبوک و تویتر به علت سهولت و دسترسی آسان در مصر کلید انفجار خشم سی ساله حسنی مبارک را توسط مردم زد و در ادامه نیز یک ابزار برای اطلاع‌رسانی سریع و هماهنگی مردم گشت، اما واقعیت چیز دیگری بود. در واقع، عوامل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی باعث این قیام شد و یک عزم اجتماعی و مردمی برای این رخداد وجود داشت. (fa.bidarieslami.com) حدود یک سال قبل از خودسوزی بوعزیزی، یک نیروی پلیس در مصر به موجب قانون حالت فوق‌العاده، جوانی به اسم «خالد سعید» را که به ویدئویی از نقش این پلیس در تجارت مواد مخدر دست یافته بود، به شکل اسفناکی به شهادت رساند. پس از قتل وی و انتشار خبر آن، صفحه «کلنا خالد سعید» در فیس بوک ایجاد شد. در حالی که یک سال کامل از وقوع آن واقعه گذشت، پیروزی انقلاب تونس، به نوعی در مصری‌ها تأثیر گذاشت. مصری‌ها که خود را الهام‌بخش فکری جهان عرب می‌دانند، این بار دیدند همسایه کوچک و حاشیه‌ای آنها بر دیکتاتوری فائق آمده و آنها هنوز در سایه دیکتاتوری سی ساله حسنی مبارک به سر می‌برند؛ این موضوع مردم را برای قیام برانگیخت. وائل غنیم مدیر صفحه خالد سعید، از فرصت به وجود آمده استفاده کرد و یک event را به عنوان «روز ۲۵ ژانویه»، روز انقلاب بر ضد فقر و فساد و بیکاری مصر، در فیس بوک ثبت کرد. لازم به ذکر است که این روز، روز ملی پلیس در مصر نیز بود.

دلایل مهم انقلاب در این صفحه چنین اعلام شده بود: «قانون حالت فوق‌العاده و مهم‌ترین قربانیان آن از جمله خالد محمد سعید و جوانی به اسم سید بلال، خشونت روزانه پلیس با مردم مصر».

رفتارخسونت‌آمیز پلیس مصر با مردم در طول حکومت مبارک یک صحنه عادی برای شهروندان مصری بود. بیش از سی و دو سال حکومت حسنی مبارک، فساد، بیکاری، وضعیت وخیم اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، افزایش تصاعدی جمعیت و نرخ فقر، حمایت از تلاش‌های گروه‌هایی نظیر اخوان المسلمین، صدور گاز به اسرائیل، تقلب در انتخابات مجلس و پیروزی حزب دموکراسی ملی با ۹۵٪ آرا، انفجار مشکوک کلیسای القديسين اسکندریه درست در هنگام شب اول سال میلادی ۲۰۱۱ و وارد کردن تهمت به مسلمانان در وقوع این انفجار که هدف از آن ایجاد فتنه بین مسلمانان و مسیحیان بود، همگی در مشروعیت‌زدایی از نظام حاکم و همچنین برای شروع انقلاب کمک زیادی کرد. مصری‌های بی‌شماری با هدف نابودی مبارک و از میان برداشتن ظلم‌ها و تبعیضات سی ساله در ۲۵ ژانویه در میدان التحرير تجمع کردند که برخورد شدید پلیس را به همراه داشت و این امر باعث شد که دامنه این اعتراضات با حرارت بیشتری به روزهای بعد نیز کشیده شود.

بدین ترتیب جرقه انقلاب در فیس بوک خورد و روز اول انقلاب با نام روز خشم ملت مصر آغاز شد. از آن روز به بعد، صفحه خالد سعید در فیسبوک به رسانه جوانان انقلاب تغییر یافت و محتویات این صفحه بود که تا حد زیادی مشخص می‌کرد انقلابیون چه عکس‌العملی را باید در مقابل بیانیه‌های دولت مبارک داشته باشند. انقلاب تا روز هجدهم یعنی ۱۱ فوریه (جمعه رهایی) ادامه پیدا کرد. در ساعت ۶ بعدازظهر و پس از پایان نماز مغرب، عمر سلیمان در صفحه تلویزیون ظاهر شد و اعلام کرد که حسنی مبارک از منصب خود کناره‌گیری کرده است و اداره امور کشور را به شورای عالی نیروهای مسلح مصر سپرده است. با پیروزی انقلاب در مصر، شعله‌های انقلاب به دیگر کشورهای عربی کشانده شد.

نباید دچار اشتباه شد که شبکه‌های اجتماعی باعث انقلاب در مصر شد. هر چند فیسبوک در مصر کلید انفجار و جرقه خشم سی‌ساله مردم را زده و شتاب زیادی به تحولات داد و در ادامه نیز یک ابزار برای اطلاع‌رسانی سریع و هماهنگی مردم گشت، اما واقعیت این است که عوامل و دلایل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی باعث این قیام شد و یک عزم اجتماعی و مردمی برای این رخداد وجود داشت. اگر یک جنبش و انقلاب از خاستگاه اجتماعی مردمی برخوردار نباشد، حداکثر اثرگذاری که شبکه‌های اجتماعی می‌توانند انجام دهند سرعت و سهولت مشروعیت‌زدایی یا تبلیغ علیه رژیم است؛ برای تداوم پیروزی و تشکیل نظام و



نهادهای قانونی، شبکه‌های اجتماعی نمی‌توانند کمک کنند. در مصر شبکه‌های اجتماعی به علت سرعت، سهولت دسترسی و فراگیری آن برای آغاز جنبش و تشریک علیه نظام حسنی مبارک تأثیر گذاشت.

شبکه‌های اجتماعی مجازی با آشکارسازی مسائلی همچون وجود ساختار سیاسی مستبد و فاسد که هیچ امیدی به اصلاح و تغییر آن نبود، مردم را به حرکت واداشتند. وجود ساختار سیاسی کهن، موجب شده که در این کشورها رفتار سیاسی مردم از حالت مسالمت‌آمیز به رفتار خشونت‌آمیز تبدیل شده و تغییرات اجتماعی و سیاسی در ساختار جامعه پدید بیاورند. به دلیل وابستگی رژیم‌ها و استقلال خواهی مردم، در شعار و درخواست‌های اکثر کشورهای درحال خیزش، استعمارستیزی و عدم وابستگی به کشورهای خارجی به خصوص آمریکا و رژیم صهیونیستی به چشم می‌خورد. همین طور مردم معترض این کشورها به دنبال استقلال سیاسی کشور و حق تعیین سرنوشت خود بودند.

وجود مشکلات اقتصادی و بحران‌های مالی را می‌توان از عوامل شتاب دهنده و تسریع کننده انقلاب مصر نامید. از جمله، موضوعات اقتصادی نظیر فقر، بیکاری، تورم، گرانی مواد غذایی و سایر نیازهای اولیه، تبعیض و نابرابری‌های اقتصادی، مهم‌ترین آنها هستند.

(Developing 8 Countries Organization)

#### دو. ارتباطات در مصر

سیستم ارتباطی در مصر طی سال‌های اخیر رشد و گسترش قابل توجهی داشته است. خطوط تلفن همراه از ۳/۵۵ میلیون خط در سال ۲۰۰۹ به ۶۰/۲ میلیون در سال ۲۰۱۰ افزایش پیدا کرده و در آینده به ۷۰/۷۰ میلیون خط می‌رسد. از سوی دیگر تعداد کاربران اینترنت از ۱/۲۰ میلیون نفر در سال ۲۰۰۹ به ۱/۲۲ میلیون نفر در سال ۲۰۱۲ رسید و برآورد می‌شود در جریان تحولات خیزش منطقه به ۲۵ میلیون نفر برسد. به گزارش وزات ارتباطات مصر، شمار کاربرانی که از طریق تلفن همراه خود از اینترنت استفاده می‌کنند، ۸/۴ میلیون نفر در سال ۲۰۰۹ به ۹/۷ میلیون نفر در سال ۲۰۱۰ رسید. همچنین در سال اخیر، میانگین استفاده از اینترنت توسط هر کاربر از حدود ۹۰۰ دقیقه در ماه دوبرابر افزایش پیدا کرده است. بر اساس نتایج پژوهش یک مؤسسه عربی درباره میزان استفاده از تویتر که در ژوئن سال ۲۰۱۲ منتشر شد،

مصر با ۱۳۱ هزار کاربر در رده سوم جهان عرب قرار دارد. همچنین برآورد شده است حدود ۵ میلیون و ۲۰۰ هزار مصری کاربر فیسبوک هستند. (گروه پژوهش، ۱۳۹۱: ۱۸۱)

نقش رسانه پیش از ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱: در این مدت به طور عمده دو اقدام صورت گرفت: یکی، تلاش برای تسخیر مراکز قدرت در روز ۲۵ ژانویه (میدان تحریر، مجلسین، وزارت کشور، وزارت امور خارجه، حزب دمکراتیک ملی، رادیو و تلویزیون، روزنامه الاهرام و کانون وکلا) و رفع نشانه‌هایی مانند تصاویر مبارک و پسرش جمال به عنوان پایان دوره نخبگان حاکم؛ دیگری، استفاده وسیع از ابزارهای شبکه ارتباطی (اینترنت، موبایل و پیامک) و ارسال سریع اخبار برای داخل و خارج از طریق شبکه‌های مجازی بود. تجربه جمعی در چند دهه گذشته بیانگر آن است که تجمع گسترده در برابر مراکز نمادین قدرت و تلاش برای به دست‌گیری آنها، به همراه اطلاع‌رسانی سریع و وسیع در فلج کردن رقیب و تسریع موفقیت مؤثر است. (همان: ۱۸۶) ولی به دلیل عدم پشتوانه اجتماعی و نداشتن عمق ارتباط معنوی آن در تداوم تحولات و تثبیت نظام پس از جنبش نمی‌تواند تأثیر اولیه را داشته باشد.

نقش رسانه پس از ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱: همانند گذشته، از ابزارها و وسایل ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی و ارتباطی (اینترنت، موبایل و پیامک) استفاده گسترده شد تا جنبش بتواند پیام خود را به سرعت منتشر کند و آخرین رویدادها را به افکار عمومی در داخل و خارج برساند. هرچند در جنبش مصر افرادی چون توماس فریدمن (روزنامه نگار صهیونیستی) از شیوه شبکه‌های مجازی و اجتماعی به عنوان مسجد مجازی در مقابل مساجد انقلاب اسلامی ایران یاد کرده است. (همان: ۴۵۱) آنچه روشن است در جنبش مصر مردم سریع‌تر و جلوتر از راهبران و سیاستمداران حرکت کردند و چنین فضای غیر معمولی موجب عدم تطابق بین مردم و رهبران شده و در نتیجه موجب کند شدن روند جنبش و خیزش مردمی می‌شود.

#### سه. شبکه الجزیره و العربیه در جنبش مصر

شبکه الجزیره از ابتدای اعتراضات مصر در کنار شبکه العربیه به پوشش گسترده تحولات پرداخت، اما کم کم این دو رسانه از یکدیگر فاصله گرفتند و الجزیره به سمت معترضین و العربیه به سمت دولت مصر متمایل شد. در همین چارچوب در کنار تحولات و اعتراض مردم، دولت قاهره با فعالیت شبکه الجزیره برخورد کرد. اما این شبکه به رغم تعطیلی

دفاترش در مصر و منع کامل فعالیت خبرنگارانش در این کشور، همچنان به اطلاع‌رسانی پرداخت. هرچند از ابتدای قیام مصر همواره دستیابی مردم به حکومت اسلامی و اجرای آزادانه مناسک اسلامی از محوری‌ترین اهداف مردم مصر بود، اما پس از سقوط مبارک، رسانه‌های منطقه‌ای وابسته به غرب و همگام با رسانه‌های غربی تلاش کردند همه ابعاد جنبش را به انزوا بکشانند. (همان: ۴۵۵ - ۴۵۴) این عوامل خود در روند دستیابی مردم به اهداف خود و مشخص نبودن هدف رسانه‌ها در جنبش مصر تداوم تحولات مصر را قدری دشوار کرده است.

در مقایسه رسانه‌های ایران و مصر باید اذعان کرد، شبکه‌های مجازی کارکردهای گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ارتباطی دارند و بیش از پیش رابطه‌های چهره به چهره را کاهش می‌دهند. ([anjoman.mcstudies.ir](http://anjoman.mcstudies.ir)) شبکه‌های اجتماعی را فراتر از گونه‌ای وبسایت می‌توان به عنوان رسانه جدید دانست. چالش‌هایی که شبکه‌های اجتماعی در سال‌های اخیر با آنها مواجه بوده‌اند، حوزه‌هایی فراتر از فضای مجازی را تحت تأثیر قرار داده است. این شبکه‌ها به عنوان یکی از گونه‌های رسانه‌های اجتماعی، امکانات تعاملی قابل توجهی برای کاربران اینترنتی فراهم کرده‌اند و در افزایش مشارکت شهروندان در برخی فرآیندها مؤثر بوده‌اند؛ قدرت بسیج‌کنندگی دارند، یعنی می‌توانند افراد را در یک زمان و یا مکان در محیطی واقعی گرد هم آورند، یا در محیط مجازی به کمپین پردازند. دسترسی سریع و آسان و بدون هزینه به شبکه‌های اجتماعی، نبود رسانه‌های آزاد و منتقد، کنترل کمتر این رسانه، امکان درج نظر و اخبار در هر لحظه و امکان مشاهده انعکاس نظرات کاربران، نداشتن مخاطرات و هزینه‌های بحث‌های رو در رو، سبب استقبال زیاد کاربران از آنها شده است. ([koucheneshin.blogfa.com](http://koucheneshin.blogfa.com))

تحریک سیاسی شبکه‌های اجتماعی به عنوان یکی از پیچیده‌ترین و سخت‌ترین پایگاه‌های مقاومت مدنی غالباً پس از ناامیدی از توجه صاحبان قدرت به ظرفیت‌های قانونی در احقاق حقوق برخی از شهروندان و مطالبات بخشی از جامعه صورت می‌پردازند. ([www.khabaronline.ir/news](http://www.khabaronline.ir/news)) این رسانه‌های مجازی در انقلاب مصر توانستند فقط از رژیم مبارک مشروعیت‌زدایی کرده و زمینه سقوط آن را به شیوه‌های مجازی فراهم کنند.

### تأثیر رسانه در پیامدهای انقلاب اسلامی ایران و جنبش مصر

همان‌طور که مطرح شد مسئله اصلی پژوهش، نقش رسانه در شکل‌گیری جنبش اخیر در مصر است که برخی از آن با عنوان انقلاب یاد می‌کنند. اما دیگر سؤال اساسی در بررسی تطبیقی انقلاب اسلامی ایران با جنبش اخیر مصر، این‌گونه مطرح می‌شود که وجوه اشتراک و افتراق و یا پیامدهای حاصل از اثرگذاری رسانه در آغاز و استقرار نظام جمهوری اسلامی در انقلاب اسلامی ایران و به ویژه در پیروزی و تداوم آن، چه تفاوتی با جنبش مصر دارد و کدام تفاوت‌ها روند تداوم جنبش مصر را کند کرده است.

#### یک. تأثیر رسانه در وجوه پیامد مشترک در انقلاب اسلامی و جنبش اخیر مصر

۱. وجود ساختار سیاسی مستبد و فاسد که هیچ‌امیدی به اصلاح و تغییر آن نیست. به علت وجود ساختار سیاسی کهن، رفتار سیاسی مردم در این کشورها از حالت مسالمت‌آمیز به خشونت‌آمیز تبدیل و موجب تغییراتی اجتماعی و سیاسی در ساختار جامعه شده است.

۲. وابستگی رژیم‌ها و استقلال‌خواهی مردم: در شعار و درخواست‌های اکثر کشورهای در حال خیزش، استعمارستیزی و عدم وابستگی به کشورهای خارجی به خصوص آمریکا و رژیم صهیونیستی به چشم می‌خورد. مردم معترض این کشورها به دنبال استقلال سیاسی کشور خود هستند و می‌خواهند حق تعیین سرنوشت داشته باشند.

۳. مشکلات اقتصادی: وجود مشکلات اقتصادی و بحران‌های مالی را می‌توان از عوامل شتاب‌دهنده به خیزش‌های مردم مسلمان کشورهای اسلامی دانست. فقر، بیکاری، تورم، گرانی مواد غذایی و سایر نیازهای اولیه، تبعیض و نابرابری‌های اقتصادی از مهم‌ترین این موضوعات اقتصادی هستند.

۴. مشکلات اجتماعی: نبود نهادهای مدنی و جامعه مدنی فعال در این کشورها موجب شده است آزادی‌های مدنی و حق تعیین سرنوشت از طرف مردم مورد توجه قرار گیرد و به صورت جدی پیگیر آن شوند.

۵. تعالی‌خواهی و هویت‌طلبی: از مهم‌ترین دلایلی که موجب بروز چنین تظاهرات گسترده در کشورهای اسلامی شده تعالی‌خواهی و هویت‌طلبی است. تحقق چنین مسئله‌ای در گرو احیای اسلام اصیل است. خیزش مردم با چنین درخواستی موجب کسب و حفظ

کرامت و منزلت انسانی می‌شود. مردم مسلمان ایران در سال ۵۷ توانستند با رفتار سیاسی خود و با شعار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی سرنوشت خود را تعیین کنند. پس از انقلاب اسلامی برای نخستین بار مردم خاورمیانه و کشورهای عربی می‌خواهند «در بیداری همراه با خیزش» سرنوشتشان را خود تعیین کنند. در این راستا انقلاب اسلامی بهترین الگو برای این کشورهاست. (قاسمی، ۱۳۹۱: ۲۰۶)

#### دو. تأثیر رسانه در وجوه پیامد متفاوت در انقلاب اسلامی و جنبش اخیر مصر

نقطه تداوم انقلاب اسلامی ایران، رهبری حضرت امام بود. در واقع رهبری انقلاب اسلامی در لباس مرجعیت و نمایندگی از ناحیه امام زمان ظهور کرده بود که رد حکم او رد حکم امام زمان و رد حکم امام زمان، رد حکم خداست و آن هم موجب کفر و خروج از اسلام است. (خواجه سروی، ۱۳۹۱: ۱۰۸) لذا عمل به بیانیه‌های امام از طریق شبکه‌های اطلاع‌رسانی و رسانه سنتی در طول انقلاب به عنوان عمل به دستورات اسلام تلقی می‌شد و اینجاست که رهبری انقلاب اسلامی با رهبری سایر انقلاب‌ها و انقلاب مصر که فرد خاصی رهبر نبود، متفاوت است. در انقلاب اسلامی ایران، رهبر ایران پیش از وقوع انقلاب در تحولات بوده و رهبری و هدایت مردم و انقلاب را بر عهده داشت ولی در انقلاب مصر پس از وقوع انقلاب به فکر غلبه بر خلأ رهبری و جبران و تقویت این نقیصه هستند. این خود موجب کند شدن روند انقلاب در مصر شده است.

نیروی محرک انقلاب مصر، جنبش جوانان و یا قشر اجتماعی متشکل از دانشجویان و فارغ‌التحصیلانی بود که از اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور ناراضی بودند. (المدینی، ۲۰۱۱: ۱۱) درحالی که رژیم مبارک در مصر بر پایه دور از هم نگه داشتن و ایجاد فاصله میان قشرها و طبقات بحرانی و خطرزا از یکدیگر استوار بود. این قشر توانست میان خواسته‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اقشار مختلف پیوند و ارتباط ایجاد نماید. (قبانجی، ۲۰۱۱: ۲۵) از جهتی دیگر این جنبش با در دست داشتن ابزارهای رسانه‌ای فعال توانست قدرت سرکوب و قلع و قمع دولت و رژیم را خنثی کند. اینترنت و شبکه‌های ارتباط جمعی مجازی علاوه بر تلفن همراه به عنوان ابزارهای فعالی بودند که در هماهنگی و سازماندهی بینابین جوانان کمک شایانی نموده و قدرت و توانایی آنها را در تحرک سریع،

فعال و نفوذناپذیر چند برابر ساخت. بنابراین، نسل جدیدی از جوانان ظاهر شد که رهبری قیام‌های مردمی را به دور از نظریه‌پردازی برعهده گرفت و با ابتکار شیوه‌های مبارزه نوین و ناشناخته، سبب حیرت و سردرگمی نخبگان سیاسی رژیم و حتی مخالفان به‌ویژه در روزهای نخستین شد. این نسل نوین انقلابی برخاسته از یک فضای مردمی، به دور از ایدئولوژی‌ها و شاخه‌های کلی‌گرایانه بود و برجسته‌ترین ویژگی آنها میهن‌گرایی بدون تعصب گروهی و تندروی است. (شعبان، ۲۰۱۱: ۶۵)

رهبری یکی از مهم‌ترین و شاید مهم‌ترین شناسه انقلاب اسلامی ایران است، به حدی که بدون آن شاید انقلاب ایران با این مشخصات به پیروزی نمی‌رسید. در واقع، مهم‌ترین منبع بسیج‌کننده در انقلاب ایران و سمت و سو دهنده به این بسیج، رهبری امام خمینی علیه‌السلام بوده است. دلیل این امر، از یک سو به مرجعیت مذهبی امام در میان گروه‌های اسلام‌گرا و سازش‌ناپذیری ایشان در برابر شاه باز می‌گشت و از سوی دیگر، ناشی از پذیرش رهبری ایشان در میان دیگر گروه‌ها بود. در واقع، نیروها و استراتژی گروه‌های غیراسلامی و یا چریکی (اعم از مذهبی و غیرمذهبی)، پس از دو دهه مبارزه، به بن بست رسیده و سرکوب شده بود و این امام و سبک رهبری و شیوه مبارزاتی تجویزی ایشان بود که توانست جنبش انقلابی را عام و فراگیر کند و انقلاب را به پیروزی برساند.

مهم‌ترین فرصتی که عامل رهبری برای جنبش انقلابی مردم ایران فراهم می‌کرد، جلوگیری از انحراف و مصادره انقلاب از سوی قدرت‌های بزرگ و عوامل رژیم و هشدارهای به هنگام در این خصوص تا دستیابی به موفقیت کامل بود. رهبری، از جمله عوامل خلأ یا ضعف در انقلاب ۲۵ ژانویه مصر بود. جنبش انقلابی مصر در مقایسه با جنبش انقلابی ایران، به لحاظ رهبری، بیشتر به جنبش‌های نوین اجتماعی شبیه است تا جنبش‌های کلاسیک.

از جمله تفاوت‌های جنبش‌های جدید اجتماعی و جنبش‌های کلاسیک یا قدیم، نبود رهبری در رأس جنبش است. در این جنبش‌ها رهبری صفتی جمعی و غیرمتعین در شخص خاص می‌باشد و جنبش اجتماعی، پیش از آنکه حول یک فرد جمع شود، حول ایده‌ای خاص مثل برابری خواهی، حقوق بشر یا دموکراسی خواهی، بسیج و جمع می‌شود. این وضعیتی است که در انقلاب‌های مصر و تونس، به وضوح قابل مشاهده بود.

تفاوت در مبانی اعتقادی مذهبی، نقش آفرینی متفاوتی را برای رهبری در انقلاب اسلامی به وجود آورده است؛ در انقلاب اسلامی رهبری به عنوان نظریه‌پرداز انقلاب، آن را هدایت می‌کرد، ولی در جنبش بیداری اسلامی مصر، رهبری مذهبی وجود نداشت یا پس از جنبش وارد صحنه شد و همین مسئله باعث کندی روند پیروزی در مصر و تبدیل آن از جنبش به انقلاب است. (هراتی، ۱۳۹۱: ۳۳۳)

در این انقلاب‌ها، رهبری کاریزماتیک، جایش را به رهبری جمعی داد که بعضاً در فضای مجازی شکل می‌گیرد و پس از آن عمل می‌کند. انقلاب مصر، هیچ رهبری نداشت و هیچ حزب یا گروه خاصی، آن را هدایت نمی‌کرد و این خود مردم بودند که از طریق رسانه‌های جدید و در رأس آنها اینترنت، به سازماندهی و مدیریت جریان اعتراضات اقدام می‌کردند. این ویژگی، سبب شده است انقلاب مصر در برابر ورودی‌های آشوب‌ساز همچون دخالت خارجی، عوامل رژیم پیشین و گروه‌های مصادره‌کننده انقلاب، آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به انقلاب ایران داشته باشد و نیاز به فعالیت و حضور جنبش انقلابی، پس از سقوط مبارک، همچنان احساس شود.

انقلاب اسلامی ایران به دلیل جذابیت و گیرایی شعارهای جهانی‌اش و نیز مشروعیت بالای خود در داخل، در ارتباطات راهبردی برای نشر انقلاب موفق‌تر بوده است، ریشه‌ها و زمینه‌های بسیار مساعد تاریخی و سیاسی جنبش اسلامی مصر، چنان گسترده و عمیق بود که با یک جرقه گسترش یافت.

انقلاب اسلامی ایران و سقوط رژیم شاهنشاهی که دوست نزدیک انور سادات و حامی اسرائیل بود، بازتاب خبری وسیعی یافت و امواج این اخبار از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی، مصر را نیز دربرگرفت و متأثر ساخت. مهم‌ترین نمود این جریان تشکیل گروه‌های عقیدتی و مبارز درون ارتش مصر، ترور انور سادات به دست خالد اسلامبولی در ۴ اکتبر ۱۹۸۱ و قیام شهر اسبوت بود. همچنین کتاب‌هایی از ترجمه آثار امام خمینی و سایر رجال انقلابی ایران به دست آمده است. این وقایع، مصر را به یکی از مهم‌ترین کانون‌های اثرپذیری از انقلاب اسلامی مبدل ساخته است؛ ارتش، مساجد، مدارس، دانشگاه‌ها و ... بیشترین تأثیر را پذیرفتند. از دیگر شاخص‌های الگوگیری از انقلاب ایران در مصر، احیاء جنبش‌های اسلامی در مصر بود که مردم شعارهایی از جمله لا اله الا الله و محمد رسول الله،

آیات قرآن و تصاویر آیت‌الله خمینی را بر روی شیشه اتومبیل‌هایشان می‌چسباندند. (حشمت‌زاده، ۱۳۸۵، ۱۵۰) بر این اساس «امروزه ما شاهد سلسله جنبش‌هایی در بین جوامع متعدد منطقه خاورمیانه هستیم که تحت عنوان بیداری اسلامی درصدد بازگرداندن اسلام به عرصه زندگی مسلمین می‌باشند». (شیرودی، ۱۳۸۸: ۵) مقام معظم رهبری فرموده‌اند:

شکی نیست کسانی که در کشورهای بیدار شده مثل مصر و تونس و حتی کشورهایی که نظام طاغوتی و تحمیلی سرکار است، چشمی و نگاهی به ملت ایران وجود دارد. دنیا ملت ایران را به مسلمانی همراه آگاهی و بصیرت و پیشگامی در میدان‌های مختلف می‌شناسد. (مقام معظم رهبری، در سفر پاوه، ۱۳۹۰/۷/۲۵)

انقلاب اسلامی ایران پس از چند سده به شکل عملی و عینی، اسلام و جوامع اسلامی را از سکون و سکوت خارج کرده و به خیزش بیداری اسلامی در منطقه فراخوانده است. انقلاب اسلامی ایران در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی بر جنبش‌های منطقه تأثیر گذاشته است.

## نتیجه

رسانه وسیله‌ای است برای نقل و انتقال اطلاعات، ایده‌ها و افکار. رسانه‌ها معمولاً پیام‌ها را بین افراد جامعه منتقل می‌کنند. نوع وسیله اطلاع رسانی و شیوه انتقال پیام تأثیر زیادی در عمق و ماندگاری آن دارد. از این جهت در انقلاب اسلامی ایران مسجد و منبر و نوار کاست، اعلامیه، هیئت مذهبی و تکایا از جمله ظرفیت‌هایی بودند که توانستند در شکل‌گیری انقلاب مانند عامل تسهیل‌گری عمل کنند و رسیدن به اهداف متعالی را در دسترس مردم ایران قرار دهند. همچنین به عنوان پشتوانه اجتماعی و معنوی در انقلاب اسلامی و نقش تربیتی رسانه‌های سنتی انقلاب باعث تداوم تحولات پس از پیروزی انقلاب اسلامی شد.

در مصر شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی تأثیر بسزایی در به وجود آمدن جنبش داشتند به طوری که جنبش مصر را انقلاب فیس‌بوکی یا لپ‌تاب‌ها نامیدند. چون جامعه مصر درصد بالایی از افراد تحصیل کرده و شهری را دارا بود که به راحتی به اینترنت و فضای مجازی دسترسی دارند. هرچند تأثیر رسانه‌های ارتباط جمعی و اینترنت و به خصوص



شبکه‌های اجتماعی از جمله توئیتر و فیس بوک در اطلاع‌رسانی سریع و گسترده و گسترش سریع این تحولات در کشورهای منطقه انکارناپذیر بود، ولی امکانات رسانه‌ای گسترده، استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای، بهره‌گیری از امکانات اینترنتی و تسهیل در دستیابی مردم مصر به اینترنت به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی تأثیر داشت؛ ولی اینترنت همه چیز نیست، پیش‌بری انقلاب نیاز به قانون، نهاد قانون، رهبری هوشمند و خردمند دارد. اینترنت برای آغاز جنبش و تشریک نظام حاکم خوب است؛ برای تثبیت ناکافی است و قابل مهار است؛ زیرا فضای مجازی به وسیله نرم‌افزارهایی قابل کنترل می‌باشد. بنابراین، برای تداوم انقلاب به قانون اساسی و نهادهای قانون‌گذار نیاز است.

در نتیجه، جایگاه رسانه در تداوم تحولات انقلاب اسلامی و جنبش مصر متفاوت عمل کرد. رسانه‌ها پس از پیروزی انقلاب موجب تداوم انقلاب شدند؛ چون برخاسته از نیروهای اجتماعی با تعلیم تربیتی و معنوی بود. در حالی که در جنبش مصر چنین عمل نکرد و پس از براندازی رژیم به دلیل ناشناخته بودن نیروهای اجتماعی و نبودن رهبری واحد برای هدایت و راهبری انقلاب، باعث کند شدن روند جنبش در مصر شده است.

## منابع و مأخذ

۱. احمدی، حمید، ۱۳۶۹، «انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه عربی»، مجموعه مقالات پیرامون جهان سوم، تهران، سفیر.
۲. احمدی، محمدرضا، ۱۳۷۷، *خاطرات آیت الله طاهری خرم‌آبادی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳. ازغندی، علیرضا، ۱۳۷۹، *تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی ایران*، ج ۱، تهران، سمت، چ ۱.
۴. استمپل، جان. دی، ۱۳۷۸، *درون انقلاب ایران*، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران، رسا.
۵. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۸، *صحیفه نور*، ۲۲ ج، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶. بروگمن، یرون، ۱۳۸۹، *درآمدی بر شبکه‌های اجتماعی*، ترجمه خلیل میرزایی، تهران، جامعه‌شناسان.

۷. تیلی، چارلز، ۱۳۸۵، *از بسیج تا انقلاب*، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران، انتشارات دانشگاه شاهد.
۸. جعفرپور، رشید و ایمان حسین قزلی‌ایاق، ۱۳۸۹، «نقش «رسانه منبر» در شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی»، *فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی*، شماره ۱۲، سال چهارم.
۹. جعفری، ۱۳۷۹، «روش‌های سنتی ارتباطات»، *روزنامه انتخاب*، شماره ۳۹۷، ۳۱ مردادماه.
۱۰. حشمت‌زاده، محمدباقر، ۱۳۸۵، *تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۱. حقانی، موسی، «نقش هیئت‌های مذهبی در انقلاب اسلامی»، دسترس در پایگاه اینترنتی: <http://aghigh.ir/fa>
۱۲. خواجه سروی، غلامرضا، ۱۳۹۱، «نسبت انقلاب اسلامی ایران با بیداری اسلامی وجوه تشابه و تمایز»، *فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۲۸، سال نهم.
۱۳. راهنمای حضور فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی، دسترس در پایگاه اینترنتی: <http://faryaadegilan.com/?p=1661>
۱۴. ریشه، گی، ۱۳۸۰، *تغییرات اجتماعی*، ترجمه منوچهر وثوقی، تهران، نشرنی.
۱۵. زارعی، سعداله، ۱۳۹۰، «ارزیابی نگاه مصر جدید به ایران»، *هفته‌نامه پنجره*، شماره ۸۵.
۱۶. شریف‌پور، رضا، ۱۳۸۰، *مسجد و انقلاب اسلامی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۷. شعبان، عبدالحسین، ۲۰۱۱، *تونس مصر اسئلة ما بعد الانتفاضة*، المستقبل العربي، العدد ۳۸۵.
۱۸. شیروودی، مرتضی، ۱۳۸۸، «انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی، تأثیر‌گذاری و نمونه‌ها»، *فصلنامه علمی - پژوهشی انقلاب اسلامی*، شماره ۱۴، سال پنجم.
۱۹. علی صوفی، علیرضا، ۱۳۸۸، «سیاست خارجی و بحران‌های داخلی حکومت محمدرضا پهلوی»، *فصلنامه پیک نور*، شماره ۷، سال دوم.
۲۰. قاسمی، بهزاد، ۱۳۹۱، «گزارش اجلاس جهانی استادان مسلمان دانشگاه‌ها و بیداری اسلامی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام*، شماره ۵۱، سال سیزدهم.
۲۱. قبانجی، جاک، ۲۰۱۱، *لماذا فاجأتنا انتفاضة تونس و مصر، بی‌جا، المستقبل العربي*.
۲۲. کاستلز، مانوئل، ۱۳۸۴، *عصر اطلاعات*، ج ۱، ترجمه علیقلیان و خاکباز، تهران، طرح نو.

تفاوت جایگاه و نقش رسانه در انقلاب اسلامی ایران و تحولات ۲۰۱۱ مصر □ ۱۸۵

۲۳. گروه پژوهش مؤسسه، ۱۳۹۱، «بیداری اسلامی و تحولات منطقه»، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.

۲۴. گونتر، بری، ۱۳۸۴، *روش‌های تحقیق رسانه‌ای*، مینو نیکو، تهران، اداره کل پژوهش‌های سیما.

۲۵. گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۶، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.

۲۶. مدنی، جلال‌الدین، ۱۳۶۹، *تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقراض قاجاریه*، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۲۷. المدینی، توفیق، ۲۰۱۱، *ربیع الثورات الديمقراطية العربية*، المستقبل العربي، العدد ۳۸۶.

۲۸. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، *پیرامون انقلاب اسلامی*، تهران، صدرا.

۲۹. نورانی، امیر، ۱۳۹۱، «مصر، بیداری اسلامی و الگوی ایران»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال نهم، شماره ۲۷.

۳۰. هراتی، محمدجواد، ۱۳۹۱، «تفاوت نقش و جایگاه رهبری در انقلاب اسلامی ایران و جنبش بیداری اسلامی مصر»، *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۲۸، سال نهم.

۳۱. هیکل، حسنین، ۱۳۶۳، *ایران: روایتی که ناگفته ماند*، ترجمه حمید احمدی، تهران، الهام.

۳۲. ولایتی، علی‌اکبر، ۱۳۸۷، *تاریخ معاصر ایران*، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

33. <http://anjoman.mcstudies.ir/2011/05/social-networks-report.html>

34. <http://koucheneshin.blogfa.com/post-45.aspx>

35. <http://alizamanian.blogfa.com/post-392.aspx>

36. <http://www.khabaronline.ir/news-69315.aspx>

37. Developing 8 Countries Organization 2011.

38. [fa.bidarieslami.com](http://fa.bidarieslami.com)

